

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۴ مارچ ۲۰۲۲

بنیاد فیاض



بنیاد فیاض برای حقوق بشر در افغانستان

په افغانستان کی د بشر د حقوقو د پاره د فیاض بنسټ

FAYAZ Foundation for Human Rights in Afghanistan

برای بازماندگان قربانیان قیام‌های حوت، عدالت یک رویا است!

۲۲ حوت ۱۴۰۰

ماه حوت در تاریخ جنگ ۴۲ ساله افغانستان دو قیام مردمی و خود جوش علیه روسها و حکومت دست نشانده شان را در ذهن تداعی میکند. یکی قیام قهرمانانه ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم هرات علیه حکومت جبار وابسته به روسها و دومی قیام خودجوش و شجاعانه سوم حوت ۱۳۵۸ مردم کابل علیه اشغالگران روس. هر دو قیام با قوه قهریه و اسلحه روسی تحت نام دفاع از «انقلاب برگشت ناپذیرثور» توسط روسها و اداره پوشالی شان در کابل بشدت سرکوب شدند. البته قیام هرات هم از نظر وسعت و دوام و هم نظر به تعداد تلفات ملکی بسیار بزرگتر از قیام سوم حوت کابل بود. وقتی از تلفات ملکی صحبت میکنیم منظور ما تنها شهدا نیست. بلکه زخمی ها و اسرای جنگی که در جریان تلاشی خانه به خانه بعد از سرکوب قیام جمع آوری میشدند و با آنها به اصطلاح اعضای حزب حاکم آنزمان «برخورد انقلابی» میشد یعنی در دفاتر آگسا و خاد، به زور شکنجه امضای آنها در زیر یک متن اعتراف به اشتراک در قیام گرفته میشد و سپس به یکی از زندانهای هرات یا پل چرخی کابل ارسال و از آنجا به کشتارگاه ها انتقال گردیده و سر به نیست میشدند، نیز شامل بود. عاملین این «برخورد انقلابی» مرتکب مجموعه ای از جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت شده اند. قربانیان این جنایات خواستار تأمین عدالت اند. اما در کشور ما هر گروهی که قدرت را غضب

می‌کند، بخاطر مصونیت افراد خود از مجازات، عفو عمومی را اعلان می‌کند و داعیه عدالت را برای سالیان متمادی به عقب می‌راند. برخی از عاملین سرکوب و کشتار های متعاقب هردو قیام، در حال حاضر در اروپا و کشور های همسایه اند. اما متأسفانه دست عدالت تا حال به آنها نرسیده است. چنانچه هموطنان عزیز اطلاع دارند، در این فضای تاریک بی عدالتی شمعی روشن شد و در آغاز ماه حوت امسال یکی از اتباع افغانستان که متهم به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت است در دیوان جزائی محکمه منطوقی مستقر در شهر هاگ هالند مورد محاکمه قرار گرفت. جریان محاکمه این متهم را بخاطری در اینجا ذکر میکنیم تا قربانیان و بازماندگان شان به این امید پیدا کنند که محاکمه این نوع جانین در اروپا هم ممکن است. صرف نیاز به تحرک از جانب خود قربانیان دارد. محاکمه عبدالرزاق (ع) شخصی که از جانب خاد در پُست های آمرخاد زندان، معاون سیاسی و قوماندان عمومی پل چرخی کار میکرد، بتاريخ ۱۶ فبروری آغاز شد. عبدالرزاق (ع) متهم به شکنجه جسمی و روحی دوامدار ده هاهزار زندانی سیاسی و همکاری در کشتار دسته جمعی اُسرای جنگی در دوران کار اش است. برای اثبات اتهامات وارده بر عبدالرزاق (ع)، خارنوال های قضیه علاوه بر گزارشات داکتر آرماکورا نماینده کمیته حقوق بشر ملل متحد و گزارشات متعدد دیگری که از جانب سازمانهای بین المللی حقوق بشر در آن سالها تهیه و نشر شده بود، از اظهارات ۲۵ شاهد از کشور های مختلف بشمول افغانستان که متعلق به طیف های سیاسی گوناگون، بشمول پرچم و خلق بودند، تذکر داد. خارنوال ارشد جرایم بین المللی برای عبدالرزاق (ع) تقاضای ۱۲ سال حبس نمود. حکم محکمه بتاريخ ۱۴ اپریل در یک جلسه علنی اعلام میگردد.

از نظر قربانیان مجازات تقاضا شده درمقایسه با وسعت و شدت اتهامات وارده ناچیز میباشد. اما اندازه مجازات ولو پائین تر از ۱۲ سال هم تعیین گردد، از اهمیت تاریخی محاکمه زندانبان دوران اختناق و خشونتبار حاکمیت پرچم و خلق نمی کاهد. اتهام نامه عبدالرزاق (ع) که بیش از ۱۶۰ صفحه را احتوا میکند، بگونه غیرمستقیم اتهام نامه علیه دستگاه جهنمی خاد و رژیم تحت رهبری پرچم و خلق بوده و تحلیل علمی و حقوقی جنایات افراد نظیر عبدالرزاق (ع) در این دوره، شیوه ارتکاب آنها و قوانین بین المللی که به موجب آن این اعمال جنایت جنگی و در مواردی جنایت علیه بشریت است، میباشد. قضیه عبدالرزاق (ع) نشان داد که افراد مظنون به جنایات جنگی ولو هویت اصلی خود را هم پنهان کنند، دست قوی عدالت میتواند آنها را کشف و محاکمه کند.

بر اساس آنچه از اظهارات قربانیان توسط خارنوال خوانده شد، شکنجه جسمی و روحی زندان پل چرخی (به استثنای بلاک چهارم که زندانیان جنائی در آن محبوس بودند) توسط خاد پلان و اداره

میشد، متهم این قضیه در بست های آمر خاد زندان، معاون سیاسی و قوماندان عمومی زندان پل چرخی در ارتکاب شکنجه روحی و جسمی زندانیان، عملی کردن اعدام های دسته جمعی که بصورت متناوب تقریباً هر ماه یکبار انجام میشد، و سایر انواع خشونت علیه زندانیان، برحسب تقاضای موقف اش سهیم بوده است.

به احتمال قوی عبدالرزاق (ع) از رفقای خادیسست اش که در هالند زندگی میکنند شنیده بود که اعمال اش او را در هالند هم تعقیب خواهند کرد. بنابراین به جعل هویت دست زد. به گواهی اتهام نامه، عبدالرزاق (ع) در تذکره خود جعلکاری نموده و (ع)... را به «رفیف» تغییر داده با پنهان نمودن تذکره ها و نام های اصلی خانم و اولاد هایش، با همین تذکره جعلی در سال ۲۰۰۱ در هالند درخواست پناهندگی کرده است. تذکره موصوف را در همان وقت شعبه کریمینل تخنیک پولیس هالند جعل شده اعلام نموده بود اما با آنها عبدالرزاق (ع) و خانواده اش قبول شده و سپس تابعیت هالندی گرفتند. تا اینجا نقشه عبدالرزاق (ع) به درستی تطبیق شد. اما ۸ سال بعد، زمانیکه وی تابعیت هالندی هم داشت و فکر میکرد حالا هیچکس او را با اعمالنامه اش بحیث زندانبان پرچم نمی شناسد و بخاطر اعمالنامه اش مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت، مقاله ای را از یک قربانی در مورد اعدام دوستان این قربانی در یکی از سایتها خواند و خونش بجوش آمد که این قربانی زمانی یکی از سی هزار زندانی ام بود و اختیارمرگ و زندگی اش را داشتم. چگونه جرأت کرده که از من در مقاله اش نام ببرد. آنگاه با نام اصلی خویش کامنت گذاشته. سه سال بعد با فوت یکی از اقارب خانمش اعلان فاتحه با نامها و تخلص اصلی عبدالرزاق (ع) و خانواده اش درج بود، در یک وبسایت متعلق به رفقای خادیسست (ع) نشر گردید. همین سرخ ها برای تعقیب عبدالرزاق توسط پولیس جرایم بین المللی هالند کافی بود. جستجوی عبدالرزاق (ع)، به قرار اتهام نامه در سال ۲۰۱۲ آغاز یافت. بعد از جمع آوری اسناد و مدارک کافی برای اثبات هویت اصلی (ع) و شهادت زندانیان سابق و استفاده از معلوماتی که در دوسیه سایر رفقای حزبی عبدالرزاق (ع) در مورد او وجود داشت، موصوف در سال ۲۰۱۹ زندانی شد. تقلا های پسر عبدالرزاق (ع) شامل تهیه ویدیو و اسناد جعلی دیگر برای تثبیت هویت جعلی پدرش، نتوانست به نجات (ع) از چنگ عدالت بیانجامد. در جلسه روز نخست محکمه عبدالرزاق (ع) ۷۶ ساله در حالیکه بالای چوکی چرخدار نشسته و ابراز مریضی و خستگی میکرد ظاهر گردید. وی خود را رفیف نامید. اما با تکرار سوال از طرف رئیس محکمه دست و پاچه شد و گفت «خودم هم نمیدانم که کی استم». البته وکلایش میدانند که اصرار بر هویت جعلی (رفیف) ثمری بیار نمی آورد. به همین دلیل کوشیدند برای تخفیف مجازات استدلال کنند.

قضیه نسبتی عبدالرزاق (ع) انعکاس وسیع در رسانه های افغانی و بین المللی کرد. زیرا زندان پل چرخی که مرحوم داود خان آنرا برای مدرن سازی محبس جنایی آباد کرده بود، در دوران زمامداری پرچم و خلق بحیث شکنجه گاه و قتلگاه زندانیان سیاسی شهرت جهانی یافت. محاکمه امر خاد، معاون سیاسی و قوماندان عمومی این مرکز شکنجه و انتقال گاه زندانیان به قتلگاه های پولیگون پل چرخی بدون شک از اهمیت خبری زیادی برخوردار میباشد.

به امید روزی که جنایتکاران جنگی و مظنونین به جنایت علیه بشریت در افغانستان، از هر قماش که بودند، به پای میز محاکمه کشانده شوند.

بنیاد فیاض برای حقوق بشر در افغانستان